

ه. ل. را بینو

ترجمه از: آقای دکتر باقر امیرخانی
(مانده از شماره پیش)

حکام خلافت عربی در طبرستان

هرون، ۸۰۹-۷۸۶/۱۹۳-۱۷۰

۲۴- جریر، ۷۸۸-۷۸۷-۷۸۶-۷۸۵/۱۷۱-۱۶۹ سکه‌هایش،^۱ ۱۷۱-۱۷۰-
۱۶۹/۱۳۷-۱۳۵).

مسیو والکر بدون داشتن اطلاع کافی نام این شخص را جلوتر ذکر می‌کند. این حدس برای وی از این جا ناشی می‌شود که یزید بن مزید (شماره ۲۲) را در اثر اشتباه ناشی از قرائت جریر بن مزید خوانده است.

۲۵- سلیمان بن موسی^۲، (?)-۷۸۵-۷۸۴/۱۶۸-۱۶۷ و ۷۸۹-۷۸۸-۷۸۸-
۱۷۱-۱۷۲/۷۸۷ (سکه‌هایش،^۳ ۱۷۲-۱۷۱/۱۳۷-۱۳۶ و ۱۶۸-۱۶۷/۱۳۳) وی از طرف خلیفه هرون بطبرستان فرستاده شد و هشت ماه در آنجا اقامت کرد. (اسفندیار، ۱۳۲ و ظهیر، ۱۶۱).

۲۶- معد^۴، ۷۹۰-۷۸۹/۱۷۳ و (?)-۷۸۸-۷۸۷/۱۷۱ (سکه‌هایش،^۴ ۱۷۳/
۱۳۸ و ۱۳۶/۱۷۱).

۱- آلوت دولافوی، ۱۳۵؛ برلن، ۱۳۷-۱۳۵؛ لندن، ۱۳۵، ۱۳۶.

۲- ظهیرالدین سلیمان بن منصور ثبت کرده‌است.

۳- آلوت دولافوی، ۱۳۷؛ برلن، ۱۳۶، ۱۳۷؛ لندن، ۱۳۷؛ مسکو، *۱۳۳؛

پاریس، ۱۳۷.

۴- Mordtmann، *۱۳۶؛ لندن، ۱۳۸. بنظر میرسد که وی معد بن مسلم رازی

که بسال ۷۸۰-۷۷۹/۱۶۳ حاکم خراسان بوده می‌باشد.

۲۷- مقاتل، (؟) ۱۷۱/۷۸۷-۷۸۸ و ۱۹۱-۷۹۰-۷۹۰-۷۸۹/۱۷۴-۱۷۳ (سکه‌هایش،^۱ ۱۳۹/۱۷۴ و ۱۳۸*/۱۷۳ و ۱۳۶*/۱۷۱).

۲۸- هانی بن هانی^۲، ۷۹۰-۷۸۹-۷۸۹-۷۸۸/۱۷۴-۱۷۳ (سکه‌هایش،^۲ ۱۳۷-۱۳۸/۱۷۳-۱۷۴. اسفندیار، ۱۳۲ و ظهیر، ۱۶۱).

وی جانشین سلیمان بن موسی شد و حا کمی عادل و ملایم بود رفتاری دوستانه با و نداد هر مزد برقرار کرده آرامش را در طبرستان نگاهداشت،

۲۹- عبدالله بن قحطبه^۳، ۷۹۲-۷۹۱-۷۹۱-۷۹۰/۱۷۴-۱۷۵ (سکه‌هایش،^۳ ۱۳۹-۱۴۰/۱۷۴-۱۷۵. اسفندیار، ۱۳۲ و ظهیر، ۱۶۱ و بار تولد، ترکستان، ۱۷۲).

بگفته ابن اسفندیار و ظهیر الدین وی پس از هانی بن هانی بحکومت رسیده است. محتملاً پسر یا نوۀ قحطبه بن شیب الطائی النقیب است.

۳۰- قدید، ۷۹۲-۷۹۱/۱۷۵ (سکه‌هایش، ۱۴۰/۱۷۵-۱۷۶).

۳۱- ابراهیم، ۷۹۳-۷۹۲-۷۹۲-۷۹۱/۱۷۶-۱۷۵ (سکه‌هایش، ۱۷۶-۱۷۷. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰-۱۴۱/۱۷۵).

۳۲- عثمان بن ناهیک (اسفندیار، ۱۳۲).

۱- آلوت دولاقوی، ۱۳۹؛ برلن، ۱۳۹؛ استانبول، ۱۳۸ (قرائت مغلوپ)؛ مسکو، ۱۳۶*.

۲- بروون اشتباهاً هادی بن هانی ذکر کرده است.

۳- آلوت دولاقوی، ۱۳۷، ۱۳۸؛ برلن، ۱۳۷؛ لندن، ۱۳۷، ۱۳۸؛ پاریس، ۱۳۷.

۴- عبدالله بن حمید بن قحطبه پس از مرگ پدرش (۷۷۶-۱۵۹/۷۷۵) مدت پنج ماه در خراسان حکومت کرد؛ رگ: بار تولد، ترکستان، ۱۷۲.

۵- آلوت دولاقوی، ۱۴۰؛ برلن، ۱۴۰؛ استانبول، ۱۳۹؛ لندن، ۱۳۹.

۶- رگ: زامباور. دکتر Unvala سکه‌ای مربوط بسال ۱۴۰ داشته است.

۷- استانبول، ۱۴۰، ۱۴۱.

وی جانشین عبدالله بن قحطبه شد و مسجد بزرگ ساری را بنا نهاد. ظهیرالدین نامی از وی نمی‌برد.

۳۳- سعید بن سلمه باهلی^۱، ۷۹۳-۷۹۲/۱۸۶ (اسفندیار، ۱۳۲، ۲۷۶ و ظهیر، ۱۶۱).

وی جانشین عثمان بن ناهیک بوده شش ماه حکومت کرد. نوّه قتیبة بن مسلم فرمانده مشهور که لشکر کشی بنی‌امیه را در آسیای مرکزی بعهده داشت می‌باشد بدین جهت در میان اعراب مردی اصیل و بزرگوار محسوب می‌شد^۲.

۳۴- عبدالله بن عبدالعزیز حمال^۳، ۷۹۳-۱۷۶/۷۹۲ (اسفندیار، ۱۲۸ (?))، ۱۳۲، ۲۷۶ و ظهیر، ۲۶۱).

وی جانشین حاکم قبلی شده فقط دو ماه در طبرستان ماند و مثنی بن الحجاج بجای او نشست.

۳۵- مثنی بن الحجاج بن قتیبة بن مسلم، ۷۹۵-۷۹۴-۷۹۳-۱۷۸/۷۹۲-۱۷۶ (طبری، ۳، ۶۱۳ و اسفندیار، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۲، ۲۷۶ و ظهیر، ۱۶۱).

وی عموزاده حاکم شماره ۳۳ می‌باشد. بگفته طبری بسال ۱۷۶/۷۹۲-۷۹۳ حاکم طبرستان شد. اسفندیار می‌نویسد که او یکسال و چهارماه حکومت کرد و در سال ۱۷۹/۷۹۵-۷۹۶ عبدالملک بن قعقاع جانشین او شد.

۳۶- عبدالملک بن قعقاع، ۷۹۶-۱۷۹/۷۹۵ (اسفندیار، ۲۷۶ و ظهیر، ۱۶۱). وی یکسال حکومت کرده حصارهای آمل و ساری را تعمیر کرد، مدتی بعد

۱- طبری (فهرست اعلام) سلم و ظهیر مسلم قید کرده است.

۲- رک : دائرة المعارف، ۲، ۱۲۳۲.

۳- ابن اسفندیار (ترجمه ا.ک. بروون) می‌گوید که حمال و عبدالله پسران عبدالعزیز بجانشینی سعید بن سلمه حاکم طبرستان شدند ولی ظهیرالدین بصراحت می‌گوید که : «از پسران عبدالعزیز حمال عبدالله را فرستادند».

این حصارها را مازیار خراب کرد.

۳۷- فضل بن یحیی^۱، ۷۹۷-۷۹۶-۱۸۰ (طبری، ۳، ۶۲۹ و ۶۴۵).

وی نوۀ حاکم شماره ۱۳ می باشد. در سال ۷۹۷-۷۹۶/۱۸۰ از حکومت طبرستان معزول شده عبدالله بن خازم بجای وی نشست.

۳۸- عبدالله بن خازم- (طبری، ۳، ۶۴۵ و اسفندیار، ۱۳۲، ۱۳۳ و ظهیر، ۱۶۱).

نوۀ حاکم شماره ۱۰. ساکنین رویان سلام مشهور به سیاهمرد را که نماینده او بود رانده بادیاللمه متحد شدند. آنان بشدت تنبیه شده متعاقب آن اعدام هائی بوقوع پیوست و سعید آباد گرفته شد. اهالی قتل عام و این قریه خراب گردید. بالاخره هرون حاکم را احضار و محمد بن یحیی برمکی و برادرش موسی را بجای او برگماشت. عبدالله بن خازم قصری در آمل بساخت و بیکی از محلات این شهر نام خازم کوی گذاشت. ۳۹ و ۳۹ مکرر- محمد بن یحیی^۲ و برادرش موسی ۸۰۳-۷۹۸-۱۸۷/۷۹۷-۱۸۱ (اسفندیار، ۱۳۳).

برادران حاکم شماره ۳۷. این دونفر حاکم جباری بوده اموال رعایا را ضبط و بخواهش شهوت خودشان زنان زیبا را بزور تصاحب می کردند محتملا پس از مرگ جعفر برمکی (صفر ۱۸۷/ژانویه ۸۰۳) معزول شدند.

محمد (بن یحیی) بن خالد هنگام حکومت خود در این ایالت درما مطیر یک بازار و ابنیه دیگری بساخت. مازیار بن قارن مسجدی بآنها اضافه کرد.^۳

۱- از سال ۱۷۶ تا ۷۹۷-۷۹۶-۷۹۳-۷۹۲/۱۸۰ فضل بن یحیی سرپرستی حکومت جبل و طبرستان و نواحی دماوند و قومس را در دست داشت (رك: دائرة المعارف، ۱، ۶۸۲، ۲ و ۳۹). بگفته یعقوبی (۱۰۳، ۱۰۶، ۱۳۳) فضل بن یحیی از طرف هرون حاکم خراسان بود و در ۷۹۶-۷۹۴/۱۷۹ احضار شد.

۲- رك: دائرة المعارف، ۱، ۶۸۲.

۳- رك: اسفندیار، ۲۸. تاریخ ۷۷۷-۷۷۶/۱۶۰ که بعنوان سنۀ بنای این مسجد بدست مازیار بن قارن (متوفی در سال ۸۳۹-۸۳۸/۲۲۴) قید شده اشتباه است.

۴۰- یحیی بن یحیی (اسفندیار، ۱۷) .

امیر یحیی بن یحیی زمان خلافت هرون مسجد ساری را بساخت. محتملاً این شخص یکی از حکام محلی برمکی در طبرستان می باشد .

۴۱- جهضم بن حباب، (اسفندیار، ۱۴۰) .

پس از سقوط برامکه وی حاکم طبرستان شد .

۴۲- خلیفه بن سعد (یا سعید) بن هارون الجوهری، ۸۰۱-۸۰۰/۱۸۵-۱۸۴

(اسفندیار، ۱۴۰) .

جانشین جهضم بن حباب. عموزاده اش نافع جانشین او در ساری و مهرویه^۱ جانشینش در آمل هر دو بدست رعایا بقتل رسیدند. چون خلیفه آگاه شد که خزینه غارت نشده است گفت: «رعایا بر علیه من شورشی نکرده اند بلکه بر علیه یگ حاکم جبار شوریده اند» عبدالله بن سعید الحرشى را بطبرستان فرستاد . وی باشکوه و جلال عظیمی استقبال شد.

۴۳- عبدالله بن سعید الحرشى^۲، ۱۶۸/۸۰۲ (طبری، ۳، ۶۵۰ و اسفندیار، ۱۴۱،

۱۴۳، ۱۴۷، ۲۷۶، ۲۷۷) .

وی چهار ماه در طبرستان حکومت کرده اشخاصی را که مسؤول قتل مهرویه بودند توقیف کرد. در این زمان هرون تا قریه ارنبو در ماوراء ری پیشرفته بود چون و نداد هر مزد را رسماً احضار کرد وی خود را به پیش خلیفه رساند. خلیفه مایل بود که اراضی چند در طبرستان خریداری کند و نداد هر مزد به فروش آنها تمایلی نشان نداد ولی آنها را بعنوان هدیه به مأمون پسر هرون بخشید^۳. خلیفه از نداد هر مزد خواست که از عنایات وی برخوردار شود و نداد هر مزد خواهش کرد که عبدالله بن سعید را که احضار شده بود به بیند. این خواهش او پذیرفته شود .

۱- یگفته طبری (۲، ۶۴۹، ۶۵۰) مهرویه رازی در ۸۰۱-۸۰۰/۱۸۴ حاکم

طبرستان شد. وی بدست اهالی در ۱۸۵/۸۰۱ بقتل رسیده عبدالله بن سعید الحرشى بجای وی تعیین شد.

۲- بروون الجریشى والجریشى ضبط کرده است .

۳- از این مدت ببعد این اراضی را مأمونی خواندند .

۴۴- عبدالله بن ملك ۸۰۹-۸۰۸/۱۹۳ (اسفندیار، ۱۴۳ و ظمیر، ۲۷۲).
 هرون تقریباً يك ماه قبل از مرگ خود (۳ جمادی الاخر ۱۹۳/۲۴ مارس ۸۰۹)
 تمام طبرستان را با استثنای کوهستانات که در نظارت شروین و ونداد هرمزد گذاشت به
 عبدالله بن ملك واگذار کرد.

امین ۸۱۳-۸۰۸/۱۹۸-۱۹۳

۴۵- فضل بن سهل ذوالریاستین^۱، ۸۱۳-۱۹۷/۸۱۲ (سکه‌هایش، ۱۹۷/۱۶۱)^۲.
 پس از آنکه امپراطوری خلافت [عباسی] را هرون بین دو پسرش امین و مأمون
 تقسیم کرد مأمون در ایالات شرقی ایران قدرت تام پیدا کرد و همین مسأله ثابت میکند
 چگونه طبرستان به مقرب او فضل بن سهل که در ۸۱۱-۱۹۵/۸۱۰ حاکم ایالات شرقی
 ایران شده بود واگذار گردید.
 فضل بن سهل که مدتی بعد وزیر مأمون شده بود در ۸۱۸-۲۰۲/۸۱۷ در حمامش
 بسرخس بقتل رسید^۳.

مأمون ۸۳۳-۸۱۳/۲۱۸-۱۹۸

۴۶- عبدالله بن خردادبه، ۸۱۸-۲۰۲/۸۱۷ (طبری، ۳، ۱۰۱۴).
 وی پدر ابن خردادبه جغرافی‌دان است و در ۸۱۸-۸۱۷-۲۰۲ حاکم شد.
 ۴۷- محمد بن خالد، ۸۲۳-۸۲۲-۸۲۲-۸۲۱/۲۰۷-۲۰۶ (اسفندیار، ۲۸، ۱۴۷).
 این حاکم فرمانی از مأمون مبنی به تصاحب کوهستانات تحت حکومت خود
 از شاپور بن شروین دریافت کرد. چون قدرت کافی برای این امر نداشت خایفه

۱- رك: دائرة المعارف، ۳۹، بگفته ظهیر الدین (صفحه ۱۵۶) فضل بن سهل ذوالریاستین
 در زمان خازم بن خزیمه فرمانده يك دسته پانصد نفری در چالوس بوده است.

۲- رك: Tiesenhausen. Zap. Vost. otd. arch. Obsch, IX, ۲۲۴.

و اسمر، دائرة المعارف، ۳، ۴۹۱.

۳- رك: یعقوبی، ۱۳۶.

مازیار بن قارن قارنوندرا برای تصرف کوهستانات وموسى بن حفص را برای اشغال جلگه بفرستاد .

۴۸- موسى بن حفص^۱، ۸۲۷-۸۲۶-۸۲۳-۸۲۲/۲۱۱-۲۰۷ (طبرى، ۳، ۱۰۶۶، ۱۰۹۸ و اسفندیار، ۱۴۸ و یعقوبی، ۳۶) .

وی نوۀ حاکم شماره ۱۴ می باشد. چهار سال حاکم جلگه شده پس از مرگش پسرش بجای وی نشست .

۴۸- مکرر، مازیار بن قارن قارنوند ، ۸۳۹-۸۳۸-۸۲۳-۸۲۲/۲۲۴-۲۰۷ (رك؛ مجله آسیائی، سال ۱۹۳۶، ۴۰۸، ۴۰۹ و طبرى، ۳، ۱۳۰۰-۱۲۶۸) .

مازیار که در ۸۲۳-۲۰۷/۸۲۲ حاکم کوهستانات طبرستان شد از ناحیۀ محمد بن حفص پسر وجانشین موسى بن حفص آسوده شده بدون صدمه و آزار در کوهستانات و جلگه حکومت کرد . مدتی بعد آمل را محاصره حصارهای آنجا و ساری را خراب کرد. هرون بعلت این جریانات به محمد بن موسى غضبناک شده در سال ۸۳۲- ۲۱۶/۸۳۱ تمام ایالت را به مازیار تفویض کرد. مازیار نیز محمد بن موسى و برادرش را بزندان انداخت .

۱- طبرى (۱۰۹۶، ۳) از محمد بن حفص الثقفى الطائى بعنوان یکی از مشهورترین قدرتها در حوادث طبرستان زمان مازیار نام می برد. بدون شك این شخص یکنفر از نسل موسى بن حفص می باشد .

۲- یعقوبی (صفحه ۸۱) عبارت زیر را قید کرده است: «طبرستان کشوریست مستقل مرکز يك قلمرو حکومت مهم که هنوز هم حاکم آن عنوان اسپهبد دارد. این قلمرو حکومت مازیار بود که وی نامه هایش را این طور بخلفا بخصوص به مأمون و منتصم آغاز می کرد : « از گیل گیلان اسپهبد خراسان (این اشتباه نساخ است باید طبرستان خواند) مازیار محمد بن قارن متحد امیر المؤمنین؛ زیرا وی «غلام» امیر المؤمنین نمی نوشت. بگفته طبرى مأمون نامه هایش را به مازیار چنین می نوشت : «به گیل گیلان اسپهبد اسپهبدان بشوار خورشید محمد بن قارن، مولی امیر المؤمنین» .

معتصم، ۸۴۱-۸۴۳/۲۲۷-۲۱۸

۴۸- مکرر، (در ذیل). مازیار بن قارن قارنوند .

خلیفه معتصم که در این اثنا جانشین مأمون شده بود به عبدالله بن طاهر فرمان داد که طبرستان را اشغال کرده بمازیار دست یابد .

مازیار در اثر خیانت برادرش کوهیار^۱ به پیش حسن بن حسین بن مصعب یکی از سرلشکران عبدالله بن طاهر رفته از آنجا به بغداد فرستاده شد و در ۲۲۴/۸۳۹ بقتل رسید .

۴۹- محمد بن موسی^۲، ۸۳۲-۸۳۱-۸۲۷-۸۲۶/۲۱۶-۲۱۱ (طبری، ۳، ۱۰۹۸،

۱۲۸۴ و اسفندیار، ۷۳، ۱۴۸، ۱۵۲-۱۵۰ و ظهیر، ۱۶۴-۱۶۲) .

پسر و جانشین حاکم شماره ۴۸ . مازیار باو هیچ اعتمائی نکرده بمحض اینکه در ۲۱۶/۸۳۱ فرمانروای تمام طبرستان شد وی را با برادرش بزندان انداخت .

۴۹- مکرر، بندار بن مونی ۸۳۹-۲۲۴/۸۳۸ (اسفندیار، ۱۵۶ و ظهیر، ۲۷۵،

۳۲۶) .

پس از مرگ مازیار کوهستانات تحت نظارت موسی پسر مونی در آمد .

ب - حکام طاهریان

در سال ۱۹۴/۸۱۱ طاهر پسر حسین بن مصعب حاکم بوشنک واقعه در ایالت هرات بود . هنگامی که مأمون با برادرش امین نبرد می کرد وی فرمانده سپاهیان مأمون شد و همین تاریخ آغاز اقبال طاهریان می باشد. پس از جلوس مأمون طاهر^۳

۱- کوهیار بعنوان خائن بدست عموزاده اش شهریار بن المصعبان که در خدمت مازیار فرماندهی دیالمه را بعهده داشت بقتل رسید .

رک: دائرة المعارف، ۳، ۴۹۰ .

۲- مخارج روزانه مطبخ سرای محمد بن موسی هزار درهم بود. وی هزار نفر زائر را بخرج شخصی خود بمکه فرستاده آنها را بطور مطبوع غذا می دادند چنانکه در میان صحرا آنها از ماهی های تازه و شاهی آبی طبرستان استفاده می کردند (اسفندیار، ۷۳) .

۳- رک: دائرة المعارف، ۴، ۶۴۱ .

حاکم نظامی بغداد و مدیر اموال سواد و عراق شده مدتی بعد خراسان باو واگذار شد و مدت پنجاه و پنج سال این پست در دست وی و جانشینان او باقی ماند. فهرستی که در آخر ضمیمه می شود فهرست Rothstein^۱ را تکمیل و اهمیت این خانواده را نشان می دهد^۲.

۵۰- حسن بن حسین بن مصعب، ۸۴۳-۸۴۰/۲۲۸-۲۲۵ (طبری، ۳، ۱۲۷۶ و

اسفندیار، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷ و ظهیر، ۱۶۴، ۲۷۵، ۳۲۵).

پس از مرگ مازیار، حسن بن حسین عموی عبدالله بن طاهر^۳ حاکم طبرستان گردید و مدت سه سال و چهار ماه و ده روز با عدالت حکومت کرد. وی در ذی حجه^۴ ۲۲۸ / سپتامبر ۸۴۳ در گذشت.

۵۱- طاهر بن عبدالله بن طاهر، ۸۴۴-۸۴۳/۲۳۰-۲۲۸ (طبری، ۳، ۱۲۸۲-

۱۲۷۹ و اسفندیار، ۱۵۷، ۱۸۰، ۱۸۱ و ظهیر، ۱۶۸، ۲۷۵، ۳۲۶).

نوه برادر حاکم شماره ۵۰. وی جانشین حسن بن حسین شده مدت یکسال و سه ماه در این ناحیه حکومت کرد^۴. پس از اطلاع از مرگ پدر خود عبدالله (۱۱ ربیع-الاول ۲۳۰/۲۰ نوامبر ۸۴۴) وی برای بدست آوردن مسند خود بخراسان رفته برادرش محمد بن عبدالله را در طبرستان جانشین خود کرد.

۵۲- محمد بن عبدالله، ۸۵۱-۸۴۴/۲۳۷-۲۳۰ (دائرة المعارف، ۳، ۷۱۱ و

اسفندیار، ۲۹، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۸۱ و ظهیر، ۱۶۸، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۹۰، ۳۲۶).

G. Rothstein, zu aš-Šābuštī, s Bericht über die Tāhiriden.-۱

Orientalischen Studien. Theodor Noldeke. Cieszen, 1906, P. 158.

۲- رك: دائرة المعارف، ۴، ۶۴۵-۶۴۴.

۳- رك: دائرة المعارف، ۱، ۳۲.

۴- رك: اسفندیار، ۱۵۷ و ظهیر، ۱۶۸. با وجود این ظهیر الدین در جای دیگر (صفحه

۲۷۵ و ۳۲۶) می گوید که وی دو سال حکومت کرد.

۵- رك: اسفندیار، ۱۵۷.

برادر حاکم شماره ۵۱. وی هفت سال حاکم شد. عطاء بن ورقا الشیبانی ویرا معاونت کرد.^{۵۰} در صفر ۲۳۷/ اوت ۸۵۱ محمد بن عبدالله بی‌عناد رفت.

۵۳- سلیمان بن عبدالله، ۵-۸۵۴-۸۵۱/۲۴۰-۲۳۷ (دائرة المعارف، ۳، ۷۱۱ و طبری، ۳، ۱۵۲۴، ۱۹۳۷ و اسفندیار، ۱۵۷، ۱۷۳-۱۶۴، ۱۷۷ و ظهیر، ۵۳، ۱۶۸، ۲۷۵، ۲۸۹، ۲۸۵، ۳۲۶).

برادر حاکم شماره ۵۱ و ۵۲. وی جانشین محمد بن عبدالله است و باهوشیاری و رزانت اول مدت دو یا سه سال^۱ بعد برای دومین بار که جمعاً سیزده سال بود حکومت کرد.^۲ در ۸۵۵-۸۵۴/۲۴۰ يك منشی مروزی بنام منصور بن یحیی را بوزارت خود برگماشت. این وزیر بدعت‌های ناگواری گذاشته برشوه خواری پرداخت تا اینکه طاهر بن عبدالله ویرا معزول و محمد بن موسی بن عبدالرحمن بجای او بوزارت تعیین شد.^۳

۵۴- محمد بن عیسی، ۸۵۵-۸۵۴/۲۴۰ (اسفندیار، ۱۵۷).

وی در طبرستان بنمایندگی طاهریان حکومت کرده سلیمان بن عبدالله جانشین او شد.^۴

۵۵- سلیمان بن عبدالله بن طاهر، ۸۶۶-۸۵۵-۸۵۴/۲۵۲-۲۴۰ (رك: حاکم

شماره ۵۴).

۱- رك: ظهیر، ۳۲۶ و اسفندیار، ۱۵۷.

۲- رك: ظهیر، ۲۷۶.

۳- رك: اسفندیار، ۱۵۷.

۴- در يك تاریخ‌نامه بین ۱۴ ذی‌قعدة ۱۹/۲۵۰ دسامبر ۸۷۶ و ذی‌حجه ۲۵۰/۱۰ ژانویه ۸۶۵ محمد بن عیسی بن عبدالحمید نامی که یکی از طرفداران حسن بن زید بود در نبردی با سلیمان بن عبدالله در کمنو در نزدیکی آمل کشته شد. نمی‌توان گفت وی محمد بن عیسی که ده سال قبل حاکم طبرستان شده بود باشد که شاید با سلیمان بن عبدالله میان‌ه‌اش بهم خورده بود.

وی ابتدا قریس^۱ بعد اسد بن جندان^۲ و بالاخره محمد بن عوس بلخی^۳ را بنمایندگی خود انتخاب کرد. محمد بن عوس رویان و چالوس را متحد کرده پسرش احمد را^۴ که حاکم چالوس و کلار بود در چالوس مستقر کرد. ظلم و ستم محمد بن عوس بجائی رسید که اشخاصی که می توانستند خانه هایشان را فروختند و یا ترك کرده بجایهای دیگر رفتند. هر سال سه بار مالیات گرفته می شد. يك بار بوسیله خودش و يك بار بدست پسرش و بار دیگر توسط يك مؤبد که مأمور و عامل آنها بود.

چون رعایا از این ظلم و ستم بستوه آمدند ساکنین رویان حسن بن یزید علوی را به نزد خود خواسته با او پیمان وفاداری بستند. علوی خود را برویان رسانده طرفدارانش را دور خود جمع کرد و چندین بار محمد بن عوس را شکست داده در ۲۳ شوال ۲۹/۲۵۰ نوامبر ۸۶۴ به آمل وارد شده عدّه کثیری از رقبای خود را در آنجا قتل عام کرد. سپس بسراغ سلیمان بن عبدالله رفته او را نیز شکست داده وارد ساری شد. سلیمان به استرآباد فرار کرد و سپس سپاهی جدید فراهم آورده تا آمل پیش آمد و از آنجا راه خود را تعقیب و تاپای دشت بیامد. آنجا حسن بن زید و متحدینش علویان وی را در نبرد خونین شکست دادند. اسد بن جندان که یکی از فرماندهان

۱- رك: اسفندیار، ۱۵۷.

۲- رك: اسفندیار، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹ و ظهیر، ۲۸۵.

۳- رك: اسفندیار، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۵-۱۶۲، ۱۶۸ و ظهیر، ۵۳، ۲۶۸، ۲۷۵.

۴- ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۶.

۵- رك: اسفندیار، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۸ و ظهیر، ۲۶۸، ۲۸۶.

۵- خلیفه به محمد بن طاهر حاکم نظامی بن داد قلمروهای مخصوصی را که وی قبلاً در رویان و چالوس در سرحد طبرستان و دیلم داشت داده بود. بشار بن هرون یا جابر بن هرون مسیحی نماینده محمد بن عبدالله نیز تمام اراضی مربوط بدهستان را که باراضی محمد بن طاهر متصل و چراگاه حیوانات ساکنین قصبه های مجاور محسوب می شد تصاحب کرده بود. این تجاوز به حقوق مردم شورش عمومی را به بار آورده علویان در رأس این شورش قرار گرفتند تا در ۲۵۰/۸۶۴-۲۵۰/۸۶۴ حسن بن زید فرمانروای این ایالت گردید (طبری، ۳، ۱۵۲۶-۱۵۲۴).

طاهریان بود در میان کشتگان دیده می‌شد. سلیمان به استرا اباد عقب نشینی کرده از برادرش محمد بن عبدالله که در خراسان بود نیروهائی گرفته مجدداً بطبرستان تاخت و در قصر خود درساری مستقر شد. در ۱۸ ذی‌حجه ۲۵۰/۱۰ ژانویه ۸۶۵ سلیمان در دو آب در نزدیکی ساری شکست خورده خانواده خود را ترك کرد و توانست به استرا اباد برود. از آنجا نامه‌ای به حسن بن زید نوشت که خانواده او را پیش او بفرستد. حسن بن زید آنها را با احترام بسوی او بفرستاد.

بالاخره در سال ۲۵۲/۸۶۶ سلیمان کاملاً طبرستان را ترك کرده بخراسان رفت. مرگ مازیار ضربه مهلکی بمذهب باستانی در کوهستانات وارد آورد در حالیکه اسلام در این موقع در جلگه‌ها مورد قبول واقع شده بود.

علویان در تمام این ناحیه بجز رستم‌دار برای وارد کردن تشیع با هیچگونه اشکال و مقاومت مذهبی مواجه نشدند. آنان مدت هفتاد و پنج سال در طبرستان و گرگان حکومت کردند با وجود این حکام ابتدا از طرف معتر و بعد بوسیله صفاریان و سپس بدست طاهریان بالاخره بوسیله سامانیان تعیین می‌شدند ولی این حکام قدرت خود را بزحمت اجرا می‌کردند. علویان علیرغم همه این مسائل توانستند در این ایالت موقعیت خود را حفظ کنند و مقاومت آنها باعث تشجیع يك روح ملی گردید که مدتی بعد پس از تسلط آل‌زیار و آل‌بویه قدرت را بدست اعقاب سلسله‌های باستانی محلی یعنی باوندیان و یادوسبانیان داد.

علیرغم اشتغال متناوب و جزئی این ایالت بوسیله دستجات بیگانه بدین ناحیه (غزنویان، سلجوقیان، خوارزمیان و مغولها) و تعیین و همچنین حضور حکام مستقل یا نمایندگان تیولداران، باوندیان تا ۱۳۵۰-۱۳۴۹/۷۵۰ در ناحیه شرقی طبرستان و یادوسبانیان در قسمت غربی یا رستم‌دار با استقلال کامل جز پرداخت يك مالیات حکومت کردند.

در این سال حکومت باوندیان با آخر رسید و چند سال بعد سادات مرعشی جای آنها را گرفتند. تیمور در سال ۷۹۵/۱۳۹۳ این سادات را رانده بود و پس از جلوس شاهرخ (۸۰۷/۱۴۰۵) دوباره قدرت را بدست گرفتند ولی در تاریخ عمومی ایران هیچ رلی بازی نکردند. شاه عباس اول صفوی در آغاز قرن ۱۱/آخر ۱۷ توانست بدون هیچ اشکالی آنان و شاهزادگان پادوسبانی را منکوب کرده بطور قطعی مازندران ورستمدار را به امپراطوری ایران ضمیمه کند.

معزز ۸۶۹-۸۶۵/۲۵۵-۲۵۱

۵۶- مفلح، ۲۵۸-۲۵۵/۸۶۹ (اسفندیار، ۱۷۹، ۱۸۰ و طبری، ۳، ۱۷۳۸-۱۷۳۶، ۱۸۴۲، ۱۸۷۳).

معزز، مفلح و موسی بن بغا را بجنگ حسن بن زید فرستاد. آنان از راه گرگان وارد طبرستان شده مفلح با طایفه لشکر در نزدیکی ساری حسن را شکست داد و تا آمل پیشرفته تا ماه جمادی الاخر ۲۵۵/مه-ژوئن ۸۶۹ در آنجا بماند سپس راه خود را بسوی چالوس پیش گرفته در عمر آباد متوقف شد. وضع حسن بن زید که از طرفداران خود و همچنین متحدینش علویان دور افتاده بود بایأس توأم بوده اما در این موقع مفلح از موسی بن بغا فرمان مراجعت بدون مهلت دریافت و شب و روز مسافرت کرد. به محض رسیدن به گرگان آگاه شد که معزز گرگان را به احمد بن محمد السکنی تفویض کرده است مفلح و موسی بن بغا درین موقع به عراق مراجعت کردند.

صفاریان- یعقوب بن لیث، ۸۷۶-۸۷۳/۳۶۰

۵۷- یعقوب بن لیث، ۸۷۷-۸۷۶/۸۴۷-۲۶۳-۲۶۰ (اسفندیار ۱۸۲-۱۸۰ و ظهیر، ۲۹۲-۲۹۰ و طبری، ۳، ۱۸۸۶-۱۸۸۳).

احمد بن محمد السکنی^۱ در ۲۵۵/۸۶۹ حاکم گرجان شد پس از آنکه حسن بن زید باو قول داد که بوعده خود عمل خواهد کرد بدو دست بیعت داد. مدتی بعد که یعقوب بن لیث خراسان و نیشابور را متصرف شد حکومت گرجان و استراباد را به احمد بن محمد السکنی و عده داد بشرط اینکه حسن بن زید را ترک کند. احمد با این کار موافقت کرده با همه دیگر طبرستان را اشغال کردند. اول اردیبهشت ۲۶۰/۱ کتبر- نوامبر ۸۷۴ باهم بساری آمده با حسن بن زید به نبرد پرداختند. حسن تا رویان فرار کرد. یعقوب بن لیث تا کجوه پایتخت رویان پیش رفته دستور داد مالیات دو ساله از اهالی گرفته شود. سپس لیث بن فنا^۲ را حاکم رویان، پادوسبان^۳ را حاکم طبرستان و قاسم بن مسلم الخراسانی^۴ را که از جمله اشخاصی بود که ویرانوی کار آورده بودند حاکم چالوس کرده خود به آمل رفت. ساکنین چالوس بجا کم جدید هجوم آورده قصر او را آتش زده اطرافیان را کشتند. یعقوب فوری خود را بدانجا رسانده رویان را زیر و رو کرد و از راه ناتل بگرد آباد رفته بزور از ساکنین جلگه مالیات دو ساله گرفت. پس از چهار ماه اقامت در طبرستان از راه قومس خود را از ساری بهری رسانده علویان را که در زندانش بودند آزاد کرد. بعد حسن بن زید فرمانروای طبرستان و گرجان شد. این وقایع در ۸۷۷-۸۷۶/۲۶۳ بوقوع پیوست.

حکام طاهریان

۵۸- شاری، ۸۷۷-۸۷۶/۲۶۳ (زفرانس مفقود).

شاری نماینده طاهریان در حدود ۸۷۷-۸۷۶/۲۶۳ در گرجان مستقر شد و غنیمت عظیمی از آنجا بدست آورده بخراسان برگشت.

۱- رك: اسفندیار، ۱۷۹، ۱۸۰.

۲- رك: اسفندیار، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴.

۳- رك: رابینو، مجله آسیائی، سال ۱۹۳۶، ۴۴۶.

۴- ظهیر الدین بجای قاسم بن مسلم ابراهیم بن مسام قید کرده است.

۵۹- رافع بن هرثمه، ۸۹۶-۸۹۵-۸۸۶-۸۸۵/۲۸۲-۲۷۲ (اسفندیار، ۱۹۳-۱۸۸، ۲۳۸ وظهر، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۹۹-۲۹۵ و طبری، ۳، ۲۱۵۱).
پس از آنکه رافع بن هرثمه نماینده عبدالله بن طاهر در خراسان شکست یافت بگرگان پناه برد. قبل از مراجعت بخراسان ایالت گرگان را به محمد بن زید واگذار کرد.

در ۸۸۶-۸۸۵/۲۷۲ مجدداً طبرستان را اشغال کرد ولی شورشائی که در خراسان بوقوع پیوست ویرا مجبور کرد که به نیشابور رود. در ۸۹۱-۸۹۰/۲۷۷ ماویرا دوباره در طبرستان می یابیم و محمد بن هرون نماینده وی در چالوس بوده است مدتی بعد رافع اسپهد رستم بن شروین را بزندان انداخت و قلمرو او را به ابوناصر الطبری وا گذاشت. در رمضان ۲۸۲/۱ اکتبر- نوامبر ۸۹۵ رستم در زندان در گذشت. در همان سال رافع بجنگ عمرو بن لیث رفت ولی شکست خورده به خوارزم فرار کرد و در آنجا بدست اهالی گرفتار شده سرش را بریدند.

ب - حکام سامانی

۶۰- محمد بن هرون، ۹۰۱-۹۰۰/۲۸۹-۲۸۷ (اسفندیار، ۱۹۷-۱۹۰ وظهر، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۲ و طبری، ۳، ۲۲۰۰ و ۲۲۰۱).

اسمعیل بن احمد سامانی محمد بن هرون را با لشگری بجنگ محمد بن زید بطبرستان فرستاد. وی در ۵ شوال ۲۸۷/۳ اکتبر ۹۰۰ در نزدیکی شهر گرگان بقتل رسید. محمد بن هرون در تیرماه ۲۸۷/۹۰۰ وارد آمل شده یکسال و شش ماه در طبرستان حکومت کرد.

پس از آنکه احمد بن اسمعیل سامانی فتح خراسان را تمام کرد می خواست طبرستان را نیز متصرف شود. محمد بن هرون بوی تسلیم نشده بدیلم فرار کرد. مدتی

پس از ورودش بآمل احمد بن اسمعیل بخششی بر عایا کرد که ما در بند پائین از آن صحبت می‌کنیم.

فارس حاکم سامانی گران با حیل به محمد بن هرون دست یافته به بخارا فرستاد وی در آنجا بحصار انداخته شد تا اینکه از گرسنگی در گذشت.

۶۱- احمد بن اسمعیل سامانی^۱، ۲۸۹-۲۸۸/۹۰۰ (اسفندیار، ۱۹۹-۱۹۵، ۲۰۱ و طبری، ۳، ۲۲۰۸).

پس از فرار محمد بن هرون، احمد بن اسمعیل بآمل آمده عادلانه در آنجا حکومت کرد. بطوری که این طرز عدالت تا آن موقع در طبرستان سابقه نداشت. او اموال اعیان و اشراف را که علویان در پنجاه سال اخیر گرفته بودند بخودشان مسترد داشت. این جریانات در حدود آخر سال ۲۸۸ و آغاز ۲۸۹/آخر ۹۰۰ واقع شد.

۶۲- ابوالعباس عبدالله بن محمد بن نوح، ۹۱۰-۹۰۹-۹۰۶-۹۰۵/۲۹۷-۲۹۳ (اسفندیار ۱۹۹-۱۹۵).

اسمعیل سامانی پسرش احمد و عموزاده اش ابوالعباس عبدالله را بجهنگ ناصر کبیر علوی^۲ که تازه پرچم شورش بلند کرده بود فرستاد. ناصر در فلاس شکست خورده دوهزار نفر دیلمی را از دست داد. اسمعیل ابوالعباس را بعنوان حاکم در طبرستان گذاشته راه عراق را در پیش گرفت. در ۹۰۷-۹۰۶/۲۹۴ احمد بجای پدرش اسمعیل نشست و چون از عبدالله متنفر بود دو سال و چند ماه بعد ویرا عزل و در ۹۱۰-۹۰۹/۲۹۷ ترکی بنام سلام را بجای او فرستاد.

۶۳- سلام ترک، ۲۹۸-۲۹۷/۹۱۰ (اسفندیار، ۱۹۷، ۱۹۸).

وی در جمادی الاول ۲۹۷/ژانویه-فوریه ۹۱۰ به آمل رسید و مدت ۹ ماه و ۲۲

۱- دائرة المعارف، ۴، صفحه ۱۲۷.

۲- وی ابو محمد الحسن بن علی نامیده می‌شد و به حسن الاطروش مشهور بود. رک:

رابینو، مجله آسیائی، سال ۱۹۲۷، ۲۵۰.

روز حکومت کرد. ولی بعثت مالیاتهای گزافی که از رعایا گرفته می شد شورش کرده ویرا از شهر راندند .

۶۴- ابوالعباس احمد بن نوح سامانی، ۹۱۰/۲۹۸ (اسفندیار، ۱۹۸، ۱۹۹) .

پس از واقعه سابق الذکر ابوالعباس احمد حا کم طبرستان شده پسرش ذوالریاستین نیز ویرا همراهی کرد. در این زمان روس ها دوبار در طبرستان ناوهای خود را پیاده کردند ولی دفعه دوم کشتی هایشان بوسیله شیر وانشاه شاه خزرها غافل گیر و تخریب شد .

در ۲۹۸/۱ اکتبر ۹۱۰ ابوالعباس در گذشته ابو ضرغام احمد بن القاسم در ساری

جانشین او شد .

۶۵- محمد بن صعلوک، ۹۱۴-۳۰۱/۹۱۰-۲۹۸ (اسفندیار، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴،

۲۱۴ و ظهیر، ۱۷۲، ۳۰۳، ۳۱۰) .

محمد بن صعلوک که در ری بود بجای ابوالعباس احمد حا کم سامانی طبرستان شد. ساکنین بجم و مزّر و تمام گیلها و دیالمه دور ناصر کبیر علوی را گرفتند. ناصر به پسرش ابوالحسین احمد مأموریت داد که مهمم حا کم سامانی را از رویان براند. ناصر کبیر در جمادی الاخر ۳۰۱/ژانویه ۹۱۴ تا چالوس پیشرفته ابوالوفا خلیفه بن نوح را زندانی و پیادگان خراسان را قتل عام و حصارهای شهر را خراب کرد. در نتیجه محمد بن هرون بری فرار کرده مأموریت حکومت خود را در آنجا انجام داد .

۶۶- محمد بن عبدالعزیز، ۳۰۱/۹۱۴ (اسفندیار، ۲۰۱) .

هنگامی که خبر این وقایع به بخارا رسید احمد سامانی محمد بن عبدالعزیز را برای رفتن به طبرستان تعیین کرد ولی چهل روز پس از ورود خود، محمد از ناصر کبیر که قدرتش در طبرستان تفوق یافته بود شکست خورد .

۶۷- الیاس بن الیسع سعیدی، ۹۲۱-۹۲۰-۹۲۰-۹۱۹/۳۰۸-۳۰۷ (اسفندیار، ۲۰۱، ۲۰۷).

ناصر بن احمد سامانی که بجای پدرش نایب السلطنه خراسان شده بود الیاس بن الیسع را باده‌هزار مرد مأمور ورود بطبرستان کرد. بعد از يك نبرد مبهم در ساری الیاس بگزرگان عقب نشسته طبرستان را در دست ناصر کبیر گذاشت. چون در حدود سال ۹۲۱/۳۰۸-۹۲۰ الیاس بن الیسع از تخلیه گزرگان ممانعت می کرد سید حسن بن قاسم داعی کبیر بوی حمله کرده او را بکشت.

۶۸- قراتکین ترك (اسفندیار ۲۰۶، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۲۳ و ظهیر، ۱۷۳).

قراتکین با ۳۰۰۰۰ سوار برای گرفتن انتقام الیاس بن الیسع بگزرگان فرستاده شد. سید ابوالحسن و برادرش ابوالقاسم جعفر موفق شدند که اشغالگر را از طبرستان برانند.

این دو سید تا روزی که احمد طویل^۱ از بخارا به جنگ آنان فرستاده شد گزرگان را در دست گرفتند اما او در جنگ شکست دادند. لشکر احمد متفرق شده تنها به بسطام فرار کرد.

۶۹- ابوعلی بن احمد بن محمد المظفری، ۹۴۰-۹۳۹/۳۲۸ (اسفندیار، ۲۱۸).

وی در محرم ۳۲۸/ اکتبر- نوامبر ۹۳۹ از طرف ناصر بن احمد سامانی فرستاده شد. مدت هفت ماه با ماکان بن کاکی^۲ بجنگید تا این که وی را شکست داده از گزرگان برانند.

پایان قسمت دوم

۱- ماسکه‌هایی از سامانیان در دست داریم که در آمل در ۳۰۲ AR، ۳۴۱ AV و ۳۵۷-

AR ۳۵۳ زده شده است. رك: واسمر، دائرة المعارف، ۳، صفحه ۴۹۱.

۲- رك: اسفندیار، ۲۰۷.

۳- ماکان بن کاکی. رك: رابینو، روزنامه آسیایی، سال ۱۹۲۷، ۲۵۷.